

A Comparative Study of Islamic and Quranic Sciences Thesauri

Toraj Heidari*

Master of Archival Studies and Journalism Program; Tehran University; Expert on Islamic Culture and Thought Research Center of Academic Affairs; Iran Email: toraj_heidari@yahoo.com

Molok alsadate Hosseini Behshti

PhD in General Linguistics; Assistant Professor; Iran; Email: beheshti@irandoc.ac.ir

Elham Bassaty

Bachelor of Law; Tehran Municipality of Cultural and Social Affairs; Legal Expert; Iran Email: basati.elham1165@gmail.com

Iranian Journal of
**Information
Processing and
Management**

Received: 22, Jun. 2016

Accepted: 14, May 2017

Abstract: This study examines the comparative strengths and weaknesses of the Estelahname-ye Maaref-eQoran and Estelahname-ye O'lome Qorani. In today's society where the documents are kept electronically, retrieval and dissemination of information for the development of research, is more important than saving documents. Thesauri are the base of indexing of various sciences and one of the solutions for storing, organizing and classifying information in recent decades. This Article uses a comparative approach and desk review by comparative method. Data were compared according to rates, defects, removing inconsistencies in terminology and referral system. The results suggest that although Estelahname-ye O'lome Qorani has a useful introduction and has more resources than Estelahname-ye Maaref-e Qoran content, but is similar to Estelahname-ye Maaref-e Qoran in function. In addition both books have no developer and supporter system. For those who keep thesaurus updated, access to systems that respond basic needs is necessary, and they must employ thesaurus management software that some research centers use.

Keywords: Quranic Term, Recovery, Knowledge of the Quran Indexing, Comparative Approach

Iranian Research Institute
for Information Science and Technology
(IranDoc)

ISSN 2251-8223

eISSN 2251-8231

Indexed by SCOPUS, ISC, & LISTA

Vol. 34 | No. 1 | pp. 429-454

Autumn 2018



* Corresponding Author

بررسی تطبیقی اصطلاح‌نامه معارف اسلامی و اصطلاح‌نامه علوم قرآنی

توج حیدری

کارشناسی ارشد مطالعات آرشوی دانشگاه تهران؛
کارشناس برنامه‌نگاری و امور هیئت علمی؛
پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛
پدیده‌آور رابط toraj_heidari@yahoo.com

ملوک‌السادات حسینی بهشتی

دکتری زبان‌شناسی همگانی؛ استادیار؛ پژوهشگاه علوم
و فناوری ایران (ایرانداک) beheshti@irandoc.ac.ir

الهام بساطی

کارشناسی حقوق؛ کارشناس امور فرهنگی اجتماعی
شهرداری تهران basati.elham1165@gmail.com



مقاله برای اصلاح به مدت ۶ روز نزد پدیده‌آوران بوده است.

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۲۴

دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۰۲

فصلنامه | علمی پژوهشی
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
(ایرانداک)

شاپا (چاپی) ۸۲۲۳-۲۲۵۱

شاپا (الکترونیکی) ۸۲۳۱-۲۲۵۱

نمایه در SCOPUS، ISC، LISTA و

jipm.irandoc.ac.ir

دوره ۳۴ | شماره ۱ | صص ۴۵۴-۴۵۶

پاییز ۱۳۹۷



چکیده: هدف پژوهش حاضر بررسی مقایسه‌ای و نقاط قوت و ضعف «اصطلاح‌نامه معارف قرآنی» و «اصطلاح‌نامه علوم قرآنی» است. در جامعه کنونی که مدارک به صورت الکترونیکی نگهداری می‌شود، بازایی و اشاعه اطلاعات برای توسعه پژوهش، دارای اهمیتی به مراتب بیشتر از ذخیره مدارک بوده و اصطلاح‌نامه که مبنای نمایه‌سازی در علوم گوناگون به‌شمار می‌رود، یکی از راهکارهای ذخیره‌سازی، سامان‌دهی و طبقه‌بندی اطلاعات در علم اطلاع‌رسانی در دهه‌های اخیر است. روش پژوهش، مطالعه تطبیقی است و بهره‌گیری از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای با روش تحلیل مقایسه‌ای انجام گرفته است. دو اصطلاح‌نامه مورد پژوهش پس از جمع‌آوری داده‌ها و با کنار هم گذاشتن آن‌ها بر اساس معیارهایی نظیر امتیازات، کاستی‌ها، حذف اصطلاحات و ناهماهنگی در سیستم ارجاعات مقایسه شده‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که هرچند «اصطلاح‌نامه علوم قرآنی» از مقدمه‌ای مفیدتر و وسیع‌تر و منابع بیشتری نسبت به «اصطلاح‌نامه معارف قرآنی» برخوردار است، از لحاظ محتوایی همانند «اصطلاح‌نامه معارف اسلامی» عمل کرده است. در ضمن، این دو اصطلاح‌نامه فاقد توسعه‌دهنده و پشتیبان هستند؛ زیرا افرادی که اصطلاح‌نامه‌ها را روزآمد نگه می‌دارند، باید به نظام‌هایی که نیازهای اساسی اصطلاح‌نامه را مرتفع می‌سازند، دسترسی داشته باشند و از نرم‌افزارهای مدیریت اصطلاح‌نامه استفاده نمایند که بعضی از پژوهشگاه‌ها و مراکز دیگر این کار را انجام می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: اصطلاح‌نامه علوم قرآنی، بازیابی، اصطلاح‌نامه معارف قرآنی، نمایه‌سازی، مقایسه

۱. مقدمه

«اصطلاح»^۱ واژه یا عبارتی مشخص است که برای گروهی از مردم معنای محدودی داشته و با معنای لغوی خود پیوند ویژه‌ای پدید آورده است (شریف جرجانی ۱۳۰۶ ق، ۱۳). اصطلاح‌شناسی^۲ علمی میان‌رشته‌ای است که موضوع تحقیق آن از سویی به شیء و مفهوم، شیوة تعریف و نام‌گذاری مفاهیم و از سوی دیگر، به سازماندهی مفاهیم یک رشته تخصصی به شکل نظام‌مند و کاربرد آن‌ها در زمینه‌های گوناگون علمی مرتبط است (حسینی بهشتی ۱۳۹۲، ۲۲). اصطلاح‌نامه^۳ عبارت است از یک واژگان ساخت‌دار که روابط بین مفاهیم را از طریق تعیین روابط بین اصطلاحاتی که بیان‌کننده آن مفاهیم هستند، ارائه می‌کند (آقابخشی، حسینی بهشتی، پارسی ۱۳۷۵، ص ذ). از این رو، اصطلاح‌نامه در حقیقت با واژه‌نامه، لغت‌نامه، سرعنوان موضوعی و نمایه‌جدایی آشکاری دارد؛ هرچند همگی در یک حوزه مشخص از علوم بشری و در یک شاخه مشخص از علم قرار می‌گیرند (مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی ۱۳۷۶، ۱۳-۱۶ و ۲۶-۲۸). چون اصطلاح‌نامه به مهار واژگان و ردیابی به یک روش منطقی و نظام‌مند می‌پردازد، پیشرفته‌ترین شکل از نمایه‌سازی است که الفبایی ارائه می‌شود (براونتن ۲۰۰۶، ۴۴).

هرچند آغاز جمع‌آوری و ثبت و ضبط اصطلاحات علمی را از قرون شانزده و هفده میلادی ذکر کرده‌اند، ولی نباید خدمات ارزنده دانشمندان اسلام قبل از آن تاریخ را نادیده گرفت. اسلام در آغاز قرن هفتم میلادی طلوع کرد و مبدأ تاریخ آن (هجرت پیامبر اسلامی - صلی الله علیه و آله - از مکه به مدینه) سال ۶۲۲ مسیحی است. اسلام در آخر همان قرن بر سراسر خاورمیانه و شمال آفریقا و اسپانیا گسترش یافته بود. امروز هم کمر بند میانی زمین از اقیانوس اطلس تا اقیانوس کبیر جایگاه اسلام است. در این ناحیه که زادگاه چندین تمدن قدیم‌تر بود، اسلام با بخشی از علوم تماس پیدا کرد و آن‌ها را تا حدی که با روح اسلام و زندگی فرهنگی مسلمانان سازگاری داشتند، جذب نمود (مرکز مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی ۱۳۷۶، ۱۱).

1. term

2. terminology

3. thesaurus

مشهورترین اصطلاح‌نامه‌ها عبارت‌اند از: «اصطلاح‌نامه یونسکو»^۱ (با ویرایش‌های گوناگون) درباره اطلاعات علمی - فنی، «اصطلاح‌نامه اریک»^۲ درباره تعلیم و تربیت و به زبان فارسی، «اصطلاح‌نامه فرهنگی فارسی (اصفا)» و «اصطلاح‌نامه نظام مبادله اطلاعات (نما)» که ترجمه اصطلاح‌نامه «اسپاینز»^۳، ویرایش دوم «اصطلاح‌نامه یونسکو» است (فولادی ۱۳۷۲، ۲۰).

در جهان اسلام در حوزه علوم قرآنی دو اصطلاح‌نامه مهم وجود دارد که هر کدام به نوبه خود بخشی مهم از اصطلاحات مربوط به قرآن و معارف دینی را مورد ریشه‌یابی قرار داده‌اند. با وجود این، تاکنون هیچ اثری به صورت مستقل این دو را با همدیگر مقایسه و تطبیق نداده است. هدف از مقایسه این دو اصطلاح‌نامه در این پژوهش آن است که چون هر یک از این دو اصطلاح‌نامه، در نوع خود، از اولین اصطلاح‌نامه‌ها در حوزه فرهنگی عرب‌زبانان و فارسی‌زبانان و فرهنگ دینی است و در حوزه‌های علوم دینی و قرآنی کامل است، نیاز به مقایسه‌ای تطبیقی دیده می‌شد تا از دید کاربر مورد مقایسه قرار گیرد و اشکالات ظاهری و جزئی، در صورت وجود کشف شود.

در این مقاله نخست ساختار دو اصطلاح‌نامه از لحاظ ظاهری و شکلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس، به امتیازات، نقاط قوت و برجسته دو اصطلاح‌نامه پرداخته شده، و در ادامه، کاستی‌ها و حذف بسیاری از اصطلاحات و مفاهیم و سپس، ناهماهنگی‌هایی که در سیستم ارجاعات وجود داشته، بررسی می‌شود.

۲. ساختار ظاهری اصطلاح‌نامه علوم قرآنی و اصطلاح‌نامه معارف قرآن

اصطلاح‌نامه‌های «علوم قرآنی» و «معارف قرآنی» دربردارنده اصطلاحات کنترل‌شده زبان نمایه‌ای علوم قرآنی و معارف قرآنی است؛ به گونه‌ای که کیفیت ساختار نمایه‌ها و موضوعات برگرفته از مدارک علوم قرآنی و معارف قرآنی را تعیین می‌کنند. یک ویژگی ذاتی اصطلاح‌نامه، قابلیت آن در تمایز و نمایش روابط ساختاری بین اصطلاحات موجود در آن است (ایچسن، گیلکریست و بادن ۲۰۰۰، ۷۲).

ویژگی‌های مهم اصطلاح‌نامه عبارت‌اند از: (۱) متکی بر نوشته‌ها و نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان بالفعل و بالقوه نظام باشد؛ به عبارت دیگر، مبتنی بر دو اصل «ضمانت

1. Unesco thesaurus

2. Thesaurus of Eric

3. SPINES

ادبی» و «ضمانت استفاده» باشد. «ضمانت ادبی» بدین معناست که در تعیین موضوع‌ها و ارتباط میان آن‌ها همان‌گونه عمل شود که در مدارک مکتوب و مواد اطلاعاتی منعکس گردیده است. بنابراین، اساس کار باید مدارکی باشد که به‌عنوان درون‌داد به نظام وارد می‌شوند، نه ملاحظات نظری محض و تقسیم‌بندی‌های شناخته‌شده دانش. این امر موجب می‌شود که نظام، پویایی خود را هم حفظ کند؛ زیرا مفاهیم جدید به محض ظاهر شدن در نوشته‌ها وارد نظام می‌گردند و بالطبع، موجب تغییرات لازم در ساخت مفهومی زبان نظام می‌شوند. «ضمانت استفاده» مربوط به برون‌داد نظام است. از آنجا که هدف نظام فراهم کردن امکان استفاده از اطلاعات است، لذا باید دید که استفاده کنندگان نظام چه کسانی هستند، برون‌داد مورد نیازشان چیست، چه زبان علمی مورد استفاده آن‌هاست و این زبان تا چه حد تخصصی است. سپس، با توجه به این موارد، موضوع‌ها و نحوه تقسیم‌بندی آن‌ها را در نظر گرفت. بنابراین، یک اصطلاح در صورتی پذیرفته شده است که اولاً نوشته‌های کافی در آن زمینه وجود داشته باشد و ثانیاً مراجعان و استفاده کنندگان نظام در آن سطح از تخصص به قدر کافی درخواست اطلاعات بکنند. در تهیه اصطلاحنامه «ضمانت استفاده» حتی مهم‌تر از «ضمانت ادبی» است؛ زیرا ممکن است در یک نظام نام مثلاً انواع ماهی‌ها بر اساس محتوای مدارک ضبط شده باشد که در این صورت «ضمانت ادبی» رعایت شده است. اما اگر استفاده کنندگان این نظام هرگز به واژه‌ای ریزتر از «ماهی» احتیاج نداشته باشند، گسترش واژگان با چنین دامنه‌ای در این حد از تخصص دلیل منطقی و باارزشی نخواهد داشت. ۲) سطح شکستگی و خاص شدن اصطلاحات در حد کافی و مورد نیاز باشد؛ ۳) از پیش‌همارایی غلط و ارتباط نادرست اصطلاحات در هنگام بازیابی جلوگیری شود؛ و ۴) با اعمال کنترل واژگانی، یعنی مهار کردن مترادف‌ها، شبه‌مترادف‌ها و نظایر آن تعیین اصطلاحات مجاز و نیز مشخص کردن حدود و ثغور اصطلاحاتی که معنا و محدوده‌شان روشن نیست، موجب دقت و یکدستی در نمایه‌سازی و جست‌وجو گردد و نمایه‌ساز و جست‌وجوگر را در انتخاب مناسب‌ترین اصطلاح برای بیان موضوعی خاص کمک نماید (حریری ۱۳۶۱).

۱-۲. اصطلاح‌نامه علوم قرآنی

«اصطلاح‌نامه علوم قرآنی» (مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی ۱۳۷۶) در یک مقدمه نسبتاً طولانی (۸۴ صفحه) از صفحه ۸ تا ۹۴ و نمایش الفبایی مدخل‌ها (۲۲۴ صفحه) از

صفحه ۹۹ تا ۳۲۳، نمایش نظام‌یافته مدخل‌ها (۱۱۶ صفحه) از صفحه ۳۲۷ تا ۴۴۲ و نمایش سلسله‌مراتبی (۲۳ صفحه) از صفحه ۴۴۵ تا ۴۶۸ و دارای حدوداً ۲۷۱ منبع و مجموعاً در یک جلد ۴۶۸ صفحه‌ای، به استثنای منابع و مأخذ، تنظیم و در دو فصل سامان یافته است. مقدمه آن شامل دو فصل است:

فصل اول: اهمیت واژه‌شناسی، نقش اصطلاح‌نامه در شناسایی منظم واژگان حوزه‌های تخصصی، نقش مسلمانان در واژه‌شناسی، کلیاتی در باب اصطلاح‌نامه (تعریف اصطلاح‌نامه، تاریخچه اصطلاح‌نامه، اصطلاح‌نامه‌های تدوین‌شده به زبان فارسی)، جایگاه اصطلاح‌نامه در نظام اطلاع‌رسانی (لزوم نظام‌مند کردن اطلاعات و مدارک، روش سازماندهی اطلاعات و مدارک، تعریف نمایه و نمایه‌سازی)، بررسی حد و مرز اصطلاح‌نامه و نمایه و ارتباط منطقی آن‌ها، نقش اصطلاح‌نامه در سازماندهی اطلاعات و مدارک، ابزارها و روش‌های مختلف ذخیره و بازیابی، نگرشی بر اطلاع‌رسانی در علوم اسلامی (گذری بر اوضاع اطلاع‌رسانی مسلمانان)، طرح تنظیم و سازماندهی اطلاعات علوم و علوم معارف اسلامی، نمایه‌سازی بر اساس ساختار اصطلاحات (نمایه‌سازی همار، نمایه‌سازی پیش‌همار، نمایه‌سازی پس‌همار)، و مراحل نمایه‌سازی (جامعیت و مانعیت). فصل دوم: مقدمه شامل بخش‌های زیر است: انگیزه تدوین، تاریخچه، معرفی قسمت‌ها (واژگان عمومی، اصطلاح‌نامه‌های تخصصی)، روش کار (روش ترکیبی و شناخت منابع، مطالعه و تحقیق در منابع، تعیین رده‌های اصلی با مطالعه اجمالی منابع، تصویب و تعیین روابط بین اصطلاحات، کنترل روابط و ارجاعات، حروف‌نگاری و برنامه‌ریزی)، برنامه‌های آتی، ساختار قابل‌گسترش و پویایی اصطلاح‌نامه علوم اسلامی، تذکر و تقاضا، تنگناهای تدوین اصطلاح‌نامه علوم اسلامی، تعیین حوزه‌های علوم اسلام، جمع‌آوری اصطلاحات، اختلاف مذاهب، اختلاف نظر اندیشمندان، تعبد و نص، تداخل مباحث علوم، شکل اصطلاحات (نگارش، صورت مفرد و جمع)، استانداردهای مورد توجه در تدوین اصطلاح‌نامه علوم اسلامی.

پوشش موضوعی مفاهیم: اصطلاحات این حوزه به یازده رده اصلی تقسیم شده که رئوس ساختار موضوعی حوزه علوم قرآنی را نشان می‌دهند و اساس کار نویسندگان اصطلاح‌نامه بر آن استوار است. این اصطلاحات به گونه الفبایی ردیف شده و در زیر هر بخش، اصطلاحات آن به صورت الفبایی آمده است. از این رو، همه اصطلاحات علوم قرآنی را به گونه الفبایی در یک فهرست، در این بخش نمی‌توان یافت. افزون بر آن اصطلاحات

اعمّ و اخصّ در زیر هر اصطلاح مرّجّح نیامده و اصطلاحات غیر مرّجّح در ردیف اصلی الفبایی هر رده (با حروف درشت) نمایش داده نشده، بلکه در زیر اصطلاح مرّجّح آمده است. به سخن دیگر، در زیربخش هر اصطلاح، علایم اختصاری (بک)، (اع)، (اخ) دیده نمی‌شود. یازده رده عمده پذیرفته شده در این اصطلاح‌نامه، که مجموعه اصطلاحات علوم قرآنی در زیربخش این یازده رده فهرست می‌شوند، بدین گونه است: ۱. شناخت تاریخ قرآن؛ ۲. شناخت تفسیر و مفسران؛ ۳. شناخت قرائات و قراء؛ ۴. شناخت ترجمه و مترجمان قرآن؛ ۵. شناخت اعجاز قرآن؛ ۶. شناخت اسلوب ادبی قرآن؛ ۷. شناخت اوصاف و فضایل قرآن؛ ۸. شناخت تقسیمات قرآن؛ ۹. شناخت کلمات و حروف قرآن؛ ۱۰. شناخت قرائات و تجوید قرآن؛ و ۱۱. شناخت دلالت الفاظ قرآن. رده‌های جزئی و فرعی در زیربخش آن‌ها قرار می‌گیرند.

فصل دوم، بخش اول کتاب، نمایش الفبایی اصطلاحات است که صفحات ۹۹-۳۲۳ کتاب را به خود اختصاص داده است. در این بخش همه اصطلاحات پذیرفته شده بر اساس حروف الفبا، سامان یافته و در زیربخش هر اصطلاح مرّجّح (اصطلاحی که نسبت به مترادفاتش رجحان دارد) به تناسب، اصطلاحات رأس، وابسته، اعمّ، اخصّ، غیر مرّجّح و نیز یادداشت دامنه (توضیح مختصر درباره اصطلاح) و عبارت راهنما آورده شده است؛ مانند آیات [یادداشت دامنه] ی.د: اسامی آیات قرآنی که به لحاظ مورد، اخص از آیاتند، به مدخل اسامی آیات ارجاع داده شده است.

[اصطلاح غیر مرّجّح] بج: آیه [اصطلاح اعمّ] ا.ع: تقسیمات شکلی قرآن

[اصطلاح اخصّ] اخ: آیات آفاقی

[و (۶۰) اصطلاح اخصّ دیگر]

[اصطلاح وابسته] ا.و: آخرین آیه

[و (۲۵) اصطلاح وابسته دیگر] (مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی ۱۳۷۶، ۱۰۱).

فصل دوم، بخش دوم کتاب که نمایش دومی از همان اصطلاحات بخش اول است با عنوان «نمایش نظام یافته»، صفحات ۳۲۵-۴۴۲ را به خود اختصاص داده است. در این بخش یازده رده عمده علوم قرآنی که کار نویسندگان اصطلاح‌نامه بر آن استوار بوده، به گونه الفبایی ردیف شده که این یازده رده در بالا ذکر شده است.

فصل دوم، بخش سوم که صفحات ۴۴۵-۴۶۸ را دربر گرفته، نمایش سلسله‌مراتبی اصطلاحات است. این بخش شبیه نمایش نظام‌یافته است، با این تفاوت که تنها رابطه اعم و اخص اصطلاحات به شکل دوبعدی (حاکم و تابع) ترسیم شده است، بدین گونه: علوم قرآنی؛

شناخت اسلوب ادبی قرآن؛

اسلوب بلاغی قرآن؛

اسلوب بدیعی قرآن؛

۱۳ ابداع؛

[و ده‌ها اصطلاح دیگر].

بخش دوم و سوم کتاب در راهیابی به چگونگی ارتباط بین اصطلاحات (ترسیم درختی) بسیار سودمند و مفید هستند.

۲-۲. اصطلاح‌نامه معارف قرآن

«اصطلاح‌نامه معارف قرآن» (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۵) با یک مقدمه یازده صفحه‌ای از صفحه ۷ تا ۱۷ و در سه بخش نمایش الفبایی مدخل‌ها (۴۳۰ صفحه) از صفحه ۲۱ تا ۴۵۱ نمایش نظام‌یافته مدخل‌ها (۲۰۹ صفحه) از صفحه ۴۵۵ تا ۶۶۴ و نمایش ترسیمی مدخل‌ها (۵۳ صفحه) از صفحه ۶۶۷ تا ۷۲۰ در حدود ۱۱۸ منبع و مجموعاً در یک جلد ۷۲۵ صفحه‌ای تنظیم شده است. در مقدمه، مباحثی از قبیل ضرورت تدوین اصطلاح‌نامه، پوشش موضوعی، کاربرد آن و برخی از نکات جزئی برای دستیابی به محتوای کتاب گوشزد شده است؛ مانند مواردی که به صورت مصداقی برای رابطه و وابسته بیان شده‌اند. اما درباره ریزه‌کاری‌های تدوین اثر و تصویب و ردّ برخی از اصطلاحات و نکات اصلی درباره ارتباطات منطقی اصطلاحات، بحثی نشده است و از این رو، خواننده باید با استقرای سیره عملی نویسندگان به برخی از اصول مد نظر در تدوین آن برسد.

بخش اول: این بخش به نمایه الفبایی اصطلاحات اختصاص دارد. در این بخش اصطلاحات بر اساس ترتیب الفبایی ردیف شده و در زیربخش هر اصطلاح مرجع، اصطلاحات مترادف،

اعم و اخص و وابسته به تناسب و در صورت وجود آورده شده است. بخش دوم: این بخش نمایه دیگری از همان اصطلاحات پذیرفته شده قبلی با عنوان نمایش نظام یافته است. در این بخش چهار رده اصلی در نظر گرفته شده و اساس ساختار نظام یافته معارف قرآن بر آن استوار است که عبارت‌اند از: جهان‌بینی، شریعت، شناخت‌شناسی و قرآن‌شناسی. هر یک از رده‌های یادشده به ترتیب الفبایی ردیف شده‌اند و در زیر هر رده، اصطلاحات مربوط نیز با نظم الفبایی آمده‌اند. در این بخش ردیف‌بندی اصطلاحات بر اساس رده‌هاست، نه بر اساس اصطلاحات. از این رو، همه اطلاعات معارف قرآن در این بخش در یک سیاهه الفبایی دیده نمی‌شوند. در این بخش اصطلاحات مرجع با روابط هم‌ارز و وابستگی با علائم اختصاری نمایان شده و اصطلاحات اعم و اخص با تورفتگی و بدون نماد اختصاری نمایش داده شده‌اند. بخش سوم: این بخش به نمایش ترسیمی اصطلاحات اختصاص دارد و از جهاتی شبیه بخش دوم است؛ با این تفاوت که فقط اصطلاحات اعم و اخص به شکل دوبعدی (حاکم و تابع) به صورت پلکانی، رابطه معنایی اصطلاحات با نقطه چین ترسیم شده است.

مثال:

معارف قرآن

جهان‌بینی

آخرت‌شناسی

مراحل آخرت

جدول ۱. مقایسه ساختار ظاهری دو اصطلاح‌نامه

توضیحات	اصطلاح‌نامه علوم قرآنی	اصطلاح‌نامه معارف قرآن	ساختار
مقدمه اصطلاح‌نامه علوم قرآنی جامع تر است.	۸۴ صفحه	۱۷ صفحه	مقدمه

توضیحات	اصطلاح‌نامه علوم قرآنی	اصطلاح‌نامه معارف قرآن	ساختار
هر دو اصطلاح‌نامه، بخش خوب و جامع عمل نموده‌اند؛ اما اصطلاح‌نامه علوم قرآنی بسیار کامل‌تر عمل کرده است.	مقدمه شامل دو فصل است: فصل اول مقدمه که شامل ۴ بخش: بخش اول اهمیت و اثره‌شناسی که شامل ۳ بند است عمل نموده‌اند؛ اما بخش دوم: کلیاتی در باب اصطلاح‌نامه که شامل ۵ بند است. بخش سوم جایگاه اصطلاح‌نامه در نظام اطلاع‌رسانی است که شامل ۵ بند است، بخش چهارم بررسی حد و مرز اصطلاح‌نامه و نمایه و ارتباط منطقی آن‌ها که شامل ۵ بند است فصل دوم مقدمه که بخش پنجم را شامل می‌شود عبارت است از: ۱. انگیزه تدوین؛ ۲. تاریخچه؛ ۳. معرفی قسمت‌ها ۴. روش کار ۵. برنامه‌های آتی ۶. ساختار قابل گسترش و پویایی اصطلاح‌نامه علوم اسلامی ۷. تذکر و تقاضا ۸. تنگناهای تدوین اصطلاح‌نامه علوم اسلامی استانداردهای مورد توجه در تدوین اصطلاح‌نامه علوم اسلامی و بخش ششم از فصل دوم مقدمه به تعاریف می‌پردازد	در مقدمه، مشکلات تدوین اصطلاح‌نامه، پوشش موضوعی اصطلاح‌نامه، کاربرد و فایده اصطلاح‌نامه، نقش اصطلاح‌نامه در نمایه‌سازی، تفاوت اصطلاح‌نامه با سرعنوان‌های موضوعی، اصول و ضوابط گزینش اصطلاحات و ایجاد روابط بین اصطلاحات، تفاوت اصطلاح‌نامه با سرعنوان‌های موضوعی و نقش اصطلاح‌نامه در نمایه‌سازی بیان شده است.	خصوصیات و ویژگی برجسته
	سه بخش و دو فصل که خود مقدمه شامل دو فصل است.	سه بخش	تعداد بخش
	۲۲۳ صفحه	۴۳۴ صفحه	نمایش الفبایی
	۱۱۶ صفحه	۲۱۲ صفحه	نظام‌یافته
	۲۶ صفحه	۵۴ صفحه	نمایش ترسیمی
	۲۷۱	۱۱۸	تعداد منبع
	یک جلد	یک جلد	تعداد جلد
	در ۴۶۸ صفحه به‌استثنای منابع و مأخذ تنظیم و در دو فصل سامان یافته است.	۷۲۵	تعداد صفحه
	یازده رده اصلی علوم قرآنی، رئوس ساختار موضوعی حوزه علوم قرآنی به گونه الفبایی مرتب شده‌اند. اصطلاحات بر اساس رده‌هاست، مرتب شده‌اند. نه بر اساس اصطلاحات.	چهار رده اصلی، رده‌ها الفبایی مرتب شده‌اند. رده‌بندی اصطلاحات بر اساس رده‌هاست، مرتب شده‌اند. نه بر اساس اصطلاحات.	پوشش موضوعی مفاهیم

۳. امتیازات اصطلاح‌نامه علوم قرآنی و اصطلاح‌نامه معارف قرآن

۳-۱. اصطلاح‌نامه علوم قرآنی

اصولاً اصطلاح‌نامه هر علمی می‌تواند به فراخور آن علم، همه یا برخی از این امتیازات را به صورت اعم داشته باشد. «اصطلاح‌نامه علوم قرآنی» نخستین اصطلاح‌نامه در حوزه فرهنگی عرب‌زبانان و فارسی‌زبانان است و مفاهیم علوم قرآنی را که نهفته در پشت اصطلاحات است، به ذهن خواننده انتقال می‌دهد؛ رابطه اصطلاحات مترادف، اعم، اخص و وابسته را با یکدیگر تبیین می‌کند؛ استخوان‌بندی علوم قرآنی را به نمایش می‌گذارد؛ نویسندگان مقالات و کتاب‌های علوم قرآنی را یاری رسانده، در پژوهش‌های گسترده علوم قرآنی و تدوین پایان‌نامه‌ها سودمند و کارساز است؛ در تدوین دایره‌المعارف علوم قرآنی و یافتن مدخل‌های مناسب، کارساز و همراه است. این اصطلاح‌نامه همچنین، راه را برای نمایه‌سازان متون علوم قرآنی (و دیگر متون دارای بحث‌های علوم قرآنی) هموار می‌کند و مدرسان علوم قرآنی را در طرح بحث‌های گوناگون یاری می‌رساند.

۳-۲. اصطلاح‌نامه معارف قرآن

«اصطلاح‌نامه معارف قرآن» اولین اصطلاح‌نامه در حوزه فرهنگ دینی است، رابطه معنایی اصطلاحات مطرح در معارف قرآنی، اعم از مترادف، اعم و اخص و وابسته را نشان می‌دهد؛ مفاهیم معارف قرآنی را که در قالب اصطلاحات نهفته است، به ذهن خوانندگان منتقل می‌کند؛ در تدوین دایره‌المعارف‌های قرآنی و گزینش مدخل‌های مناسب و فراگیر کارساز است؛ مدرسان معارف قرآنی، نویسندگان مقالات و کتاب‌های مرتبط با این حوزه را یاری رسانده و در پژوهش‌های گسترده قرآنی و تدوین پایان‌نامه‌ها سودمند است؛ برای نمایه‌سازی معارف قرآنی ابزاری مؤثر و کارآمد است. همچنین، ظاهراً این کار در نوع خود جزو نخستین تجربه‌ها بوده و الگوی خاصی نداشته است. در ضمن، معارف قرآن در برابر علوم دیگر، علمی مستقل به شمار نمی‌آید و حد و مرز روشن و مشخصی ندارد تا بتوان اصطلاحات مربوط را به راحتی برگزید. معارف قرآن گستردگی فراوان دارد. از این رو، اصطلاحات مرتبط با آن نیز فراوان و گردآوری آن‌ها زمان‌بر است. روابط حاکم بین اصطلاحات قرآن در مواردی با روابط حاکم بین رشته‌های سایر علوم مرتبط (کلام، فقه، اصول فقه و ...) متفاوت است.

اصطلاح‌نامه‌ها فقط در صدد نظام‌دهی و تبیین ذات بین ذات مفاهیم یک علم است و بدون در نظر گرفتن اختلاف آرای مذاهب صاحب‌نظران و تنها به جایگاه معنایی اصطلاح در آن علم می‌پردازند و در مقام داوری نیستند. از این رو، اصطلاحاتی مانند «ذبیح ابراهیم» که از نظر شیعه، اسماعیل^(ع) و از نظر اهل سنت، اسحاق^(ع) است، هر دو را به عنوان «اخص» آن اصطلاح آورده است.

جدول شماره ۲. مقایسه ویژگی‌های دو اصطلاح‌نامه

امتیازات	اصطلاح‌نامه معارف قرآن	اصطلاح‌نامه علوم قرآنی
پیشینه قبلی	اولین اصطلاح‌نامه در حوزه فرهنگ دینی است و الگوی خاصی نداشته است.	نخستین اصطلاح‌نامه در حوزه فرهنگی عرب‌زبانان و فارسی‌زبانان است.
ویژگی برجسته	مفاهیم معارف قرآنی را که در قالب اصطلاحات نهفته است، به ذهن خوانندگان منتقل می‌کند؛ در تدوین دایره‌المعارف‌های قرآنی و گزینش مدخل‌های مناسب و فراگیر کارساز است.	مفاهیم علوم قرآنی را که در قالب اصطلاحات نهفته است، به ذهن خوانندگان منتقل می‌کند؛ در تدوین دایره‌المعارف علوم قرآنی و یافتن مدخل‌های مناسب کارساز و همراه است.
برقراری رابطه میان اصطلاحات	رابطه معنایی اصطلاحات مطرح در معارف قرآنی، اعم از مترادف، اعم، اخص و وابسته را نشان می‌دهد	رابطه اصطلاحات مترادف، اعم، اخص و وابسته را با یکدیگر تبیین می‌کند.

۴. کاستی‌های اصطلاح‌نامه علوم قرآنی و اصطلاح‌نامه معارف قرآن

توسعه‌دهندگان و پشتیبانان اصطلاح‌نامه باید توانایی ویرایش اصطلاح‌نامه و افزودن اصطلاحات جدید را داشته باشند. افزوده‌شدن یک رابطه جدید به اصطلاح‌نامه روی کلیه روابط موجود تأثیر می‌گذارد و نظام باید این تغییر و تأثیر را نشان دهد و امکان ویرایش موقعیت یک توصیفگر در یک سلسله‌مراتب و نمایش همزمان سلسله‌مراتب چندگانه برای توصیفگرهای موجود باید وجود داشته باشد (محمدی و علیدوستی ۱۳۸۶، ۱۷۱).

۴-۱. اصطلاح‌نامه علوم قرآنی

آن‌گونه که از فهرست منابع اصطلاح‌نامه علوم قرآنی (کتابنامه) برمی‌آید، در تدوین این اصطلاح‌نامه از حدود ۲۷۱ عنوان کتاب بهره‌برداری شده است. فهرست منابع (کتابنامه) این اصطلاح‌نامه حدود هفده صفحه از پایان کتاب را به خود اختصاص داده است که افزون بر حدود ۲۷۰ عنوان کتاب، ده عنوان مجله در حوزه علوم اسلامی (قرآنی

و غیر قرآنی) و نُه پایان‌نامه و جزوه نیز در آن به چشم می‌خورد. این فهرست بسیار ناهماهنگ و ناموزون است و کاستی‌های صوری فراوان دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: نیاوردن علایم اختصاری (ق=قمری، ش=شمسی، م=میلادی) بعد از سال نشر، به جز در چند مورد؛ نیاوردن علایم اختصاری (بی‌جا=بدون مکان نشر، بی‌نا=بدون ناشر، بی‌تا=بدون تاریخ) به جز در چند مورد؛ نیاوردن تعداد مجلدات کتاب، به جز در چند مورد؛ تقدیم و تأخیر در یاد کردن از مکان نشر و ناشر در موارد فراوان؛ اشتباه در یادآوری نام‌های نویسندگان؛ اشتباهات چاپی؛ اشتباه در ردیف الفبایی نام‌های نویسندگان؛ تبدیل نام‌های عربی به فارسی و بالعکس؛ نام بردن از یک ناشر با اسامی و القاب گوناگون؛ تکرار کتاب‌ها به علت پنداشتن دوگانگی آن‌ها (شش مورد)؛ ذکر القاب نویسندگان و احتساب آن در ردیف الفبایی (مثال: حاکم، شیخ)؛ نیاوردن چندمین چاپ کتاب، به جز در چند مورد؛ احتساب حروف (ال) در فهرست الفبایی؛ یاد کردن از یک نویسنده با چند اسم و لقب؛ پنداشتن مترجم به جای مؤلف؛ و ... به نظر می‌رسد که این فهرست ویراستاری نشده است به طوری که بعد از جست‌وجو و تأمل کاستی‌های زیر در آن به چشم می‌خورد:

۱. با توجه به گستردگی مباحث علوم قرآنی و نیز فراوانی اصطلاحات آن، لزوم بهره‌گیری از منابع و مأخذ گسترده، بر اساس یک تقسیم منطقی و نظام‌مند احساس می‌شود. شاید بتوان گفت که مأخذ این کتاب نسبتاً محدود بوده و بر رده‌های یازده‌گانه پذیرفته‌شده علوم قرآنی - که تدوین این اصطلاح‌نامه بر آن اساس است و نیز دیگر مفاهیم عمده علوم قرآنی - سرشکن نشده است. مثلاً حدود پنجاه اصطلاح (مرجّح، غیرمرجّح، اعم، اخص و وابسته) درباره ناسخ و منسوخ در اصطلاح‌نامه وجود دارد که از شانزده عنوان کتاب اختصاصی (نسخ) استخراج شده است (به جز کتاب‌های عمومی علوم قرآنی). این بهره‌گیری و استحصال بر اساس شمارش کتاب‌ها و تعداد اصطلاحات، منطقی و پذیرفتنی است؛ ولی از تفاسیر کامل قرآن فقط به هشت عنوان تفسیر برمی‌خوریم و یا از مجموع منابع و مأخذ، حدود پنجاه عنوان کتاب را نوشته دانشمندان علوم قرآنی متقدم می‌یابیم. همچنین، در بحث (قراءات و تجوید قرآن) فقط دو کتاب اختصاصی از متقدمان دیده می‌شود. پرواضح است که برای مقایسه اصطلاحات تخصصی یک علم در گذشته و حال، نگرستن در منابع متقدمان، متأخران و معاصران برای دستیابی به سیر تطور و تحول اصطلاحات (در صورت وجود) و اطمینان

- از صحت و استاندارد بودن اصطلاح امری ضروری و منطقی است.
۲. در فهرست مأخذ به کتاب‌هایی برمی‌خوریم که ترجمه متون تخصصی قرآنی است. از این رو، از متن اصلی آن استفاده نشده است. مثلاً از ترجمه‌های کتاب‌های «حقائق هامة حول القرآن الکریم»، اثر «سید جعفر مرتضی عاملی»، «المعجزة الکبری»، اثر «محمد ابوزهره»، «التصویر الفنی فی القرآن و فی ظلال القرآن»، اثر «سید قطب» اصطلاحات و مفاهیم استخراج شده، ولی در کنار ترجمه به متون اصلی نگریسته نشده است؛ زیرا چه‌بسا مترجمی در برگردان اصطلاح به فارسی و معادل‌یابی آن دقت شایسته را به کار نبسته است؛ چون هدف اصلی او ترجمه متن است، نه گذاشتن برابر مناسب برای هر اصطلاح.
۳. بر خلاف آنچه که در مقدمه کتاب آمده، از فهرست مأخذ چنین برمی‌آید که در تدوین اصطلاح‌نامه از لغت‌نامه‌ها، فرهنگ‌ها، دایرةالمعارف‌ها، کتابشناسی‌ها (قرآنی و یا علوم قرآنی)، معجم‌ها، و فهرست موضوعی تفاسیر به‌ندرت استفاده شده است.
۴. از تلاش‌های مؤسسات و مراکز پژوهشی که به گونه تخصصی و یا عمومی درباره علوم قرآن پژوهش‌هایی را اندوخته‌اند، بهره چشمگیری نبرده است.
- در صفحات ۱۷۶ الی ۱۸۶ و ۳۰۳ الی ۳۰۷ کتاب، اصطلاحات مرکب فراوانی می‌بینیم که با واژه‌های «تفسیر»، «تفاسیر» و «مفسران» شروع شده است. از «تفسیر» معنای مصدری آن، و از «تفاسیر» کتاب‌های تفسیر و از «مفسران» نویسندگان کتاب‌های تفسیر اراده شده است. پس از مقایسه این اصطلاحات مرکب درمی‌یابیم که اصطلاحات فراوانی حذف و از شبیه به آن‌ها استفاده شده است؛ در حالی که ظاهراً هیچ استدلالی در آوردن یک اصطلاح و نیاوردن یک اصطلاح شبیه به آن وجود ندارد. مثلاً «تفسیر ادبی»، «تفاسیر ادبی» و «مفسران ادبی» را می‌یابیم، ولی در کنار آن فقط به «تفسیر قرآن به قرآن» و «تفاسیر قرآن به قرآن» برمی‌خوریم و اصطلاح «مفسران قرآن به قرآن» را نمی‌یابیم. شمار این گونه اصطلاحات یاد نشده در این بخش، حدود ۷۵ مورد است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: تفاسیر بیانی قرآن، تفاسیر تابعین، تفاسیر دوران نهضت‌های اصلاحی، تفاسیر رمزی، تفاسیر تابعین، تفاسیر احکام قرآن، تفسیر احکام قرآن، مفسران عصر جدید، تفسیر تابعین شیعه، تفاسیر تابعین شیعه، تفسیر اصحاب ائمه، مفسران دوران نهضت‌های اصلاحی، تفسیر اتباع تابعین، مفسران فقهی و ...

همچنین، در صفحات ۱۶۲ الی ۱۶۸ و ۲۸۵ الی ۲۸۸ اصطلاحات مرکب فراوان دیگری می‌بینیم که با واژه‌های «ترجمه‌های» و «مترجمان» شروع شده است؛ مانند: «ترجمه‌های آسیایی قرآن»، «مترجمان آسیایی قرآن» یا «ترجمه‌های آلبانیایی قرآن»، «مترجمان آلبانیایی قرآن» و ... ولی، ۴۱ اصطلاح «ترجمه‌های ... قرآن» وجود دارد که اصطلاح «مترجمان ... قرآن» برای آن آورده نشده است و شش اصطلاح از این شمارش، مفهوماً از بحث خارج است، ولی ۳۵ اصطلاح دیگر با ترکیب «مترجمان ... قرآن» حذف شده است؛ در حالی که در مآخذ ترجمه قرآن، از آن مترجمان و یا اصطلاح «مترجمان ... قرآن» نام برده شده است. برخی از آن‌ها این گونه‌اند: مترجمان اردویی قرآن، مترجمان پشتویی قرآن، مترجمان ترکی قرآن، مترجمان لاتینی قرآن، مترجمان کلاسیک قرآن، مترجمان کردی قرآن و ... اگر گفته شود که این اصطلاحات اخص بوده و در اصطلاحات اعم، تنها واژه (مترجمان) آورده شده است، ظاهراً نیکو به نظر نمی‌رسد؛ افزون بر آن که به این موارد در هیچ جای کتاب اشاره نشده است تا استفاده‌کننده با پیش‌فرض‌های اصطلاح‌نامه‌نویسان آشنا شده باشد. در همین جا یادآور می‌شویم با تورق و جست‌وجو در چهار کتاب درباره ترجمه قرآن و تاریخ آن، حدود هشتاد اصطلاح مرجح و غیرمرجح به‌دست آمد که سزاوار بود با توجه به سبک و سیاق اصطلاح‌نامه از آن‌ها یاد شده و در اصطلاح‌نامه فهرست می‌شد. برخی از آن اصطلاحات این گونه است:

ترجمه‌های سریانی قرآن، مترجمان سریانی قرآن، ترجمه‌های ارمنی قرآن، مترجمان ارمنی قرآن، ترجمه‌های ازبکی قرآن، مترجمان ازبکی قرآن، ترجمه‌های عبری قرآن، مترجمان عبری قرآن، ترجمه‌های ترکمنی قرآن، مترجمان ترکمنی قرآن، ترجمه‌های کشمیری قرآن، مترجمان کشمیری قرآن، ترجمه‌های ویتنامی قرآن، مترجمان ویتنامی قرآن، ترجمه‌های بوسنیایی قرآن، مترجمان بوسنیایی قرآن، ترجمه‌های بلوچی قرآن، مترجمان بلوچی قرآن. ولی در اصطلاح‌نامه حدود ۶۵ ملیت، زبان و لهجه دنیا در قالب اصطلاحات «ترجمه‌های ... قرآن» و «مترجمان ... قرآن» فهرست شده است و از موارد یادشده و نیز ادامه آن اصطلاحی آورده نشده است.

۴-۲. اصطلاحنامه معارف قرآن

در تدوین این اصطلاح‌نامه از ۱۱۸ کتاب استفاده شده است که بعد از بررسی و تأمل در آن، موارد زیر به نظر رسید. با توجه به گستردگی مباحث قرآنی و فراوانی اصطلاحات

آن، نه تنها ذکر منابع وسیع ضروری است که باید بر اساس یک تقسیم منطقی و درجه‌بندی منابع، بسامد بهره‌برداری از آن‌ها در اصطلاح‌نامه مشخص می‌شد. شاید بتوان ادعا کرد که مأخذ انتخاب‌شده محدود بوده و بر رده‌های چهارگانه معارف قرآن که تدوین این اصطلاح‌نامه بر آن اساس است و نیز دیگر مفاهیم عمده معارف قرآنی سرشکن نشده است. از تفاسیر کامل قرآن فقط به ۲۴ عنوان برمی‌خوریم که البته، عمدتاً از متقدمین‌اند و به‌طور کلی، حدود نیمی از مجموع منابع تألیف دانشمندان متقدم است و بخش قابل توجهی (حدود ۵۳ عنوان) از متأخران و معاصران است. آثاری مانند «المنجد فی اللغة» تألیف «لویس معلوف» در مأخذ ذکر شده است که به‌عنوان منبع معارف واژگان قرآنی بایسته نیست. همچنین، «فرهنگ واژه‌های انقلاب اسلامی»، اثر «جلال‌الدین فارسی» و «حقوق خانواده» که نمی‌توانند به‌عنوان مأخذ اصطلاح‌نامه معارف قرآنی مورد استفاده قرار گیرند.

در تدوین اصطلاح‌نامه‌ها، معمولاً علاوه بر فرهنگ‌نامه‌ها و دایره‌المعارف‌ها، از کتاب‌شناسی‌ها، نمایه‌ها و همچنین، اصطلاح‌نامه‌های مرتبط استفاده می‌شود؛ اما در این اصطلاح‌نامه از کتاب‌شناسی‌های قرآنی، نمایه‌ها و اصطلاح‌نامه‌های متنوع که در حوزه علوم انسانی و اسلامی نوشته شده، مانند «اصطلاح‌نامه اصفاء»، «اصطلاح‌نامه علوم قرآنی»، «اصطلاح‌نامه اصول فقه» و نظایر آن نامی به میان نیامده است. با توجه به این که قرار است اصطلاحات معیار در این اصطلاح‌نامه شناسایی و روابط معنایی آن‌ها به‌درستی توصیف شود، باید از تلاش‌های مراکز پژوهشی و مؤسسات و نیز منابع و مواد اطلاعات موجود در آن‌ها و دیدگاه‌ها و نظریات کارشناسی استفاده می‌شد که هیچ اشاره‌ای به این مهم نشده است.

جدول ۳. مقایسه کاستی‌های دو اصطلاح‌نامه

کاستی‌ها	اصطلاح‌نامه معارف قرآن	اصطلاح‌نامه علوم قرآنی
تعداد منابع	۱۱۸ منبع	۲۷۱ منبع
کیفیت منابع	در این اصطلاح‌نامه از کتاب‌شناسی‌های قرآنی، نمایه‌ها و اصطلاح‌نامه‌های متنوع که در حوزه علوم انسانی و اسلامی نوشته شده مانند اصطلاح‌نامه اصفاء، اصطلاح‌نامه علوم قرآنی، اصطلاح‌نامه اصول فقه و نظایر آن نامی به میان نیامده است.	در بعضی موارد از ترجمه متون استفاده شده و از متن اصلی کتاب استفاده نشده است.

کاستی‌ها	اصطلاح‌نامه معارف قرآن	اصطلاح‌نامه علوم قرآنی
نیاز به منابع بیشتر	با توجه به گستردگی مباحث قرآنی و فراوانی اصطلاحات آن، نه تنها ذکر منابع وسیع ضروری است، که باید بر اساس یک تقسیم منطقی و درجه‌بندی منابع، بسامد بهره‌برداری از آن‌ها در اصطلاح‌نامه مشخص می‌شد.	با توجه به گستردگی مباحث علوم قرآنی و نیز فراوانی اصطلاحات آن، لزوم بهره‌گیری از منابع گسترده احساس می‌شد.
آیا از تلاش مؤسسات پژوهشی استفاده چشمگیری شده است؟	از تلاش‌های مراکز پژوهشی و مؤسسات و نیز منابع و مواد اطلاعات در دست آن‌ها و دیدگاه‌ها و نظرات کارشناسی استفاده شده که هیچ اشاره‌ای به این مهم نشده است.	از تلاش‌های مؤسسات و مراکز پژوهشی که به گونه تخصصی و یا عمومی درباره علوم قرآن پژوهش‌هایی را اندوخته‌اند، بهره چشمگیری نبرده است.
مدیریت اصطلاح‌نامه برای توصیفگرهای جدید وجود دارد	خیر	خیر

۵. حذف اصطلاحات و مفاهیم اصطلاح‌نامه علوم قرآنی و اصطلاح‌نامه معارف قرآن

۵-۱. اصطلاح‌نامه علوم قرآنی

در یک بررسی منطقی و مقایسه اصطلاحات با یکدیگر و ارتباط بین آن‌ها و با نگرستن در چند مأخذ علوم قرآنی درمی‌یابیم که اصطلاحات فراوانی آورده نشده است؛ چه اصطلاحات مرجح (توصیفگر)، چه اصطلاحات غیرمرجح (غیرتوصیفگر) و چه اصطلاحاتی که آوردن آن‌ها با سبک و سیاق اصطلاح‌نامه - آن گونه که در مقدمه آمده و از سیره عملی آن پیداست - سازگار است.

۵-۲. اصطلاح‌نامه معارف قرآن

در یک بررسی کوتاه و مقایسه اصطلاحات با یکدیگر و روابط آن‌ها و با نگاه به چند منبع قرآنی درمی‌یابیم که اصطلاحات قابل توجه و مهمی، از جمله اصطلاحات متداول و مرجح و اصطلاحات غیرمرجح، شناسایی نشده و همچنین، از کلیدواژه‌هایی که به سبک و سیاق آن اصطلاح‌نامه - چنان که در مقدمه آمده است - سازگاری دارد و باید آورده می‌شد، غفلت شده است.

برخی از اصطلاحات مشهورند و نیامدن آن‌ها در نظام اصطلاحات سبب می‌شود که اصطلاحات معادل و مترادف نیز از قلم بیفتند؛ اصطلاحاتی که علاوه بر شهرت در قرآن

آمده‌اند و در مآخذ فراوانی درباره آن‌ها بحث‌های مستوفایی شده است که به تعدادی از آن‌ها فهرست‌وار اشاره می‌کنیم:

اعراض/عرضه، عرض،^۱ اب/کور مادرزاد،^۲ معلومات^۳/معلوم.

جدول ۳. مقایسه حذف اصطلاحات اصطلاح‌نامه

حذف اصطلاحات	اصطلاح‌نامه معارف قرآن	اصطلاح‌نامه علوم قرآنی
اصطلاحات متداول	اصطلاحات زیادی شناسایی نشده است.	اصطلاحات زیادی شناسایی نشده است.
اصطلاحات مرجّح (توصیفگر)	اصطلاحات زیادی شناسایی نشده است.	اصطلاحات زیادی شناسایی نشده است.
غیر مرجّح (غیر توصیفگر)	اصطلاحات زیادی شناسایی نشده است.	اصطلاحات زیادی شناسایی نشده است.

۶. ناهماهنگی در سیستم ارجاعات

برای تعیین ساختار حوزه موضوعی و روابط بین اصطلاحی از فنون رده‌بندی استفاده می‌شود. همچنین، استانداردهای تدوین اصطلاح‌نامه بر اساس سه نوع رابطه بنیادی بین اصطلاحی تصریح می‌کنند که این رابطه‌ها رابطه مترادف، رابطه سلسله‌مراتبی و رابطه همانندی هستند (ایچیسن، گیلکریست و بادن ۲۰۰۰، ۷۳).

۶-۱. اصطلاح‌نامه علوم قرآنی

سیستم ارجاعات در فرهنگ‌ها، دایرةالمعارف‌ها، فهرست‌ها و اصطلاح‌نامه‌ها دارای دو فایده اصلی است: اول آن‌که خواننده را با اصطلاحات مترادف و شبه‌مترادف آشنا می‌سازد و دیگر آن‌که در صورت تبادر یک اصطلاح غیرمرجّح در ذهن خواننده به آسانی می‌تواند با سیستم ارجاع به اصطلاح مرجّح انتقال یابد؛ مانند: اعجاز ادبی، اعجاز بیانی قرآن (بک: اعجاز بیانی قرآن). آن‌گونه که از آمار داده‌شده در مقدمه

۱. این اصطلاح و مشتقات آن حدود ۱۰۰ بار در قرآن آمده و در مسئله سفر و اعراض از نعمت‌های الهی مطرح می‌شود و معانی متعددی دارد که با شکل‌های مختلفی مصطلح است.
۲. ابرء الاکمه و الابرص (نساء: ۴۹) همان‌طور که در اصطلاح‌نامه ابرص به پیس ارجاع شده، باید اکمه نیز به کور مادرزاد ارجاع شود.
۳. این اصطلاح در آیات حج به کار رفته است «الحج اشهر معلومات» (بقره: ۱۹۷) و به همین شکل دوبار در قرآن آمده است. ضمن آن‌که «معلومات» می‌تواند جمع معلوم هم باشد و امروزه به جای «اطلاعات» در عربی به کار می‌رود و ممکن است با سه توضیحگر در اصطلاح‌نامه ظاهر شود.

کتاب برمی آید، تقریباً برای هر اصطلاح مرّجَح (توصیفگر) به‌طور میانگین، دو اصطلاح غیرمرّجَح (غیرتوصیفگر) وجود دارد. ولی با نگرش و جست‌وجو در کتاب و بررسی سیره عملی آن دیده می‌شود که اصطلاحات غیرمرّجَح بر اساس یک تقسیم منطقی و برگرفته از نوع کاربرد اصطلاحات انجام پذیرفته است. مثلاً در بحث ترجمه قرآن، اصطلاح (ترجمه لفظی قرآن) به‌عنوان اصطلاح مرّجَح شناخته شده و اصطلاح دیگر، غیرمرّجَح (مترادف و شبه‌مترادف) و به اصطلاح مرّجَح با علامت اختصاری (بک) ارجاع شده است؛ بدین‌گونه: ترجمه تحت اللفظی قرآن، ترجمه ادبی قرآن، ترجمه ادیبانه قرآن، ترجمه مساوی قرآن، ترجمه حرفی قرآن، ترجمه ظاهری قرآن، ترجمه مقید قرآن، ترجمه کلمه به کلمه قرآن، ترجمه لفظ به لفظ قرآن. این نوع سیستم ارجاع، حکایت از گستردگی ارجاعات دارد، ولی درباره همه اصطلاحات - با وجود مترادفات فراوان آن‌ها در منابع - این‌گونه اعمال نشده است. نمونه‌هایی که در زیر بند ب (شماره‌های ۲ و ۳) آورده شد، بخشی از این مصادیق است. همچنین، در نمونه‌های فراوانی، اصطلاحاتی که مطابق با قواعد عربی با «ین» جمع بسته شده‌اند، به اصطلاحات مترادفی که در فارسی با «ان» جمع بسته می‌شوند، ارجاع شده است؛ مانند: «حافظین قرآن» بک: «حافظان قرآن»، «مترجمین قرآن» بک: «مترجمان قرآن». ولی این نوع ارجاع، اگر هم صحیح باشد - آن‌گونه که در برخی از اصطلاح‌نامه‌های بین‌المللی، تفاوت رسم‌الخط برخی از کلمات لحاظ گردیده - نیاز به یک روند منطقی و منظم دارد. به‌عنوان نمونه بنگرید: اصطلاحات «مترجمان ... قرآن» حدود ۴۸ بار به کار رفته است. ولی فقط چهار بار اصطلاح «مترجمین ... قرآن» به «مترجمان ... قرآن» ارجاع شده است؛ بدین‌گونه: مترجمین آسیایی قرآن، مترجمین اروپایی قرآن، مترجمین آفریقایی قرآن، مترجمین قرآن و اصطلاحات دیگر ارجاع نشده است. اگر گفته شود که این چهار نمونه، اصطلاح اعم (ا.ع) بوده و از این رو، ارجاع در آن‌ها آورده شده است، در جواب می‌گوییم که اصطلاح «مترجمین قرآن» نسبت به همه ۴۷ اصطلاح دیگر اعم است و اصطلاحات «مترجمین آسیایی قرآن»، «مترجمین اروپایی قرآن»، «مترجمین آفریقایی قرآن» اخص است، هرچند نسبت به اصطلاحات زیربخش خود اعم هستند. افزون بر آن، این نوع اعمال سلیقه در مقدمه برای خواننده توضیح داده نشده است. نیز اگر گفته شود که در مأخذ علوم قرآنی فقط به همین چهار اصطلاح برخورد شده که با «ین» جمع بسته شده، می‌گوییم که در مأخذ اصطلاح‌نامه علوم قرآنی، اصطلاحات «مترجمین فرانسوی قرآن»، «مترجمین آلمانی قرآن»، «مترجمین انگلیسی قرآن»،

«مترجمین ایتالیایی قرآن» و ... به چشم می‌خورد. همچنین، دو اصطلاح «تراجم قرآن» و «تراجم قدیم قرآن» به اصطلاحات «ترجمه‌های قرآن» و «ترجمه‌های قدیمی قرآن» ارجاع شده است. ولی ده‌ها اصطلاح دیگر همچون: (تراجم جدید قرآن)، (تراجم اروپایی قرآن) که در مأخذ اصطلاح‌نامه آمده، به اصطلاح مرجّح ارجاع نشده است. از این رو، آوردن دو اصطلاح یادشده در اصطلاح‌نامه ترجیح بدون مرجّح است یا اصطلاحات مرکّب فراوانی با پیش‌واژه (مفسران) آورده شده که حتی یک مورد (مفسرین) به آن ارجاع نشده است. در این بخش نمونه‌هایی از این دست بسیار فراوان است که به یک سیستم منطقی مدون نیاز دارد. در بخش نخستین کتاب (نمایش الفبایی) در زیر هر اصطلاح به تناسب، یک یا چند اصطلاح مرجّح (بک)، غیرمرجّح (بج)، اعمّ (اع)، اخصّ (اخ)، وابسته یا همبسته (او)، رأس (ار)، یادداشت دامنه (ی.د)، و عبارت راهنما دیده می‌شود که همگی بر اساس یک نظم منطقی چیده شده‌اند. مثلاً در زیر یک اصطلاح اخصّ، مانند: (نزول تدریجی قرآن)، اصطلاح اخصّ دیگری با علامت اختصاری (اخ) دیده نمی‌شود؛ زیرا اخصّ اخصّ و اعمّ اعم را در زیر هر اصطلاح یادآور نمی‌شوند، بلکه در زیر این اصطلاح، اصطلاح اعم (اع) (نزول قرآن) دیده می‌شود. این زیرمجموعه‌های اصطلاحات، از سودمندترین موارد برای یک پژوهشگر علوم قرآنی است، زیرا جایگاه اصلی هر اصطلاح و ارتباط آن را با مجموعه اصطلاحات علوم قرآنی درمی‌یابد. ولی گاهی برخی از اصطلاحات زیربخش‌ها حذف شده و برخی از تناسب منطقی برخوردار نیست؛ مانند: حذف اصطلاحات وابسته (او) (تفسیر عرفانی)، (مفسران عرفانی) از زیربخش اصطلاح (تفاسیر عرفانی) (ص ۱۷۸) و (منکرین تفسیر به رأی) از (تفسیر به رأی) (ص ۱۸۲)، و (تفاسیر صحابه) از (تفسیر صحابه)، (ص ۱۸۳) و (تفسیر به رأی) از (منکرین تفسیر به رأی) (ص ۳۱۱)، و (سور) از (ثواب سور)، (ص ۱۰)، و (منابع کتابی علوم قرآنی) از (منابع غیر کتابی علوم قرآنی)، (ص ۳۱۰)، و (منابع غیر کتابی علوم قرآنی) از (منابع کتابی علوم قرآنی)، (ص ۳۱۰) و ...

نمونه‌های دیگری از فهرست یک رده که اصطلاحات اعم (اع) از زیربخش‌های اصطلاحات حذف شده‌اند، بدین گونه است: (تفاسیر قرآن) از (تفاسیر تابعین)، (ص ۱۷۷)، (تفاسیر قرآن) از (تفاسیر صحابه) (ص ۱۷۸)، (تفسیر اهل سنت) از (تفسیر حنفیه)، (ص ۱۸۳). برخی از زیربخش‌ها نیز با اصطلاح اصلی سازگاری ندارند. برای نمونه، اصطلاح (قرآن) (ص ۲۵) دارای شش اصطلاح وابسته است که دست کم اصطلاح (تضمین قرآن) و (تکسب به قرآن) به عنوان وابسته سازگار نیست و اصطلاحات (ترجمه قرآن) و (تفسیر

قرآن) سازگارتر است.

۲-۶. اصطلاحنامه معارف قرآن

ارجاع دقیق و کامل در دایرة المعارف‌ها، اصطلاح‌نامه‌ها و سرعنوان‌ها فواید فراوانی دارد. قاعدتاً باید در مقدمه از اصطلاحات و از جمله اصطلاحات مترادف آماری ارائه می‌شد تا به صورت میانگین حدّ ارجاعات گمانه‌زنی می‌شد که این کار نشده است. ولی با جست‌وجو در کتاب و بررسی سیره عملی آن مشاهده می‌شود که اصطلاحات غیرمرجّح بر اساس یک تصمیم قبلی و سیاست‌گذاری منطقی و بر اساس نوع کاربرد اصطلاحات صورت نگرفته است. برای مثال، در مقدمه (ص ۱۲) «اِثم» و «ذنب» به «گناه» ارجاع شده است، ولی در متن به «گناهان» ارجاع داده‌اند (ص ۲۱۷ و ۳۵۱).

«مبطلات اعتکاف» زیرمجموعه «احکام اعتکاف» آمده، در حالی که تنها زیرمجموعه «مبطلات اعتکاف» «آمیزش» ثبت شده است و از مباشرت با زنان، مجادله و ... که در کتب تفسیری از آن سخن به میان آمده، خبری نیست. همین اتفاق را در «شرایط اعتکاف» نیز مشاهده می‌کنیم (ص ۳۲، ۸۳ و ۳۶۴). معتکف می‌تواند به اعتکاف وابسته شود و اصلاً نیامده است.^۱ در صفحه ۱۸۵ تفسیر وابسته به علم تفسیر شده است و هیچ رابطه‌ای با تفسیر قرآن پیدا نکرده است.^۲

برای «حاکم سیاسی» فقط سه مترادف «حکام، سلطان و والی» انتخاب شده، در حالی که مترادف‌های دیگری مانند «شاه، پادشاه و ملک» قابل ارجاع است. «پادشاه» به عنوان اصطلاح مستقل آمده است (ص ۱۷۱). وثن^۳ (ص ۴۳۲) به بت‌ها ارجاع شده و اوئان (ص

۱. معتکف یکی از واژه‌های مهم و قابل ارجاعی است که باید در این اصطلاحنامه قرار می‌گرفت و حد اقل به اعتکاف وابسته می‌شد. تدوین‌کنندگان این اصطلاح را نیاورده‌اند. درحالی که مواد دیگری را به اعتکاف مرتبط کرده‌اند که خیلی ضرورت ندارد. مثلاً از سویی «آمیزش در اعتکاف» را پذیرفته‌اند و از سویی دیگر «آمیزش» را زیرمجموعه مبطلات اعتکاف آورده‌اند. درحالی که این دو واژه در باب اعتکاف یک معنا دارد و تکثیر آن نازیباست.

۲. هرچند مشخص نشده است که منظور از تفسیر چیست، آیا تفسیر قرآن است یا علم تفسیر. به هر حال با انتخاب تفسیر به رأی به عنوان زیربخش تفسیر، موارد دیگری مانند تفسیر موضوعی، تفسیر آیه به آیه، تفسیر قرآن با قرآن و غیره نیز وجود دارند.

۳. با این که در «وثن» مفرد و جمع هر دو پذیرفته شده، در همان توصیفگر (بت‌ها) اصنام و انصاب به شکل جمع انتخاب شده است و از مفرد آن ارجاعی هم تهیه نشده است و این ناهماهنگی حکایت از عدم سیاست‌گذاری در گزینش جمع و مفرد دارد.

۱۰۲) نیز انتخاب شده و به بت‌ها ارجاع شده است.^۱

در بخش ترسیمی، اصطلاحات با تنظیم معنایی در زیربخش توصیف‌گرهای تکرار شده است؛ مانند: زیرمجموعه‌های حیوانات اهلی، چهارپایان، حیوانات بارکش، حیوانات خشکی عموماً با مختصری جابه‌جایی تکرار شده‌اند که قاعده‌تاً باید در اولین مرتبه کاملاً ذکر می‌شد و در بخش‌های بعد به آن ارجاع می‌گشت. از سویی اصطلاحات مهمی در معارف قرآن کاربرد دارد و در این حوزه معرفتی دارای اهمیت خاصی است ولی در نظام درختی دیده نمی‌شود؛ مانند تشریع، تبلیغ، تجسم عمل، تذیر، اسراف، مطهرات و موارد فراوان دیگر که فقط وابسته منظور شده یا اعمی برای آن‌ها مشخص نشده است و علت اصلی آن است که از ابتدا رده‌های اصلی متناسب با پهنه واقعی معارف قرآن انتخاب نشده و انحصار رده‌های معارف قرآن در چهار رده اصلی سبب شده است که بسیاری از اصطلاحات مهم و کلیدی که قطعاً در نظام درختی معارف قرآن می‌توانند قرار گیرند، خارج شوند؛ مانند: نام‌های قیامت که حدود چهل نام قرآنی برای آن در بخش الفبایی ردیف شده است، نام‌های بهشت، نام‌های محمد (ص)، مطهرات و نجاسات که هر کدام زیربخش‌هایی دارند. لذا، بهتر بود برای جای‌دهی اصطلاحات فراوان معارف قرآنی که در نظام درختی در بخش الفبایی هستند، از قاعده مقوله‌سازی برای رده‌های اصلی استفاده می‌شد. یکی از کارهای بسیار مشکل و در عین حال مهم برای تدوین‌کنندگان اصطلاح‌نامه‌ها، جست‌وجو و استنباط روابط ساختاری اصطلاحات است. روش کار چنین است که ابتدا اصطلاح از منابع استخراج شود و روابط پیشنهادی به گروه علمی برای بررسی و تصویب ارسال گردد. حداقل روابطی که باید به دقت بررسی شود، عبارت است از رابطه ترادف (هم‌ارز)، رابطه سلسله‌مراتبی (اعم و اخص) و رابطه وابستگی. رابطه وابستگی کمترین اهمیت را در این مرحله از بررسی دارد؛ اگرچه اصل وابستگی در اصطلاحات کم‌اهمیت نیست. یعنی وقتی گروه علمی نتواند در سلسله‌مراتب جایی را برای اصطلاح پذیرفته شده پیدا کند، ولی یک نوع ارتباطی را تشخیص دهد، این ارتباط می‌تواند وابسته تلقی شود و برای این که اصطلاحات وابسته بیش از حد گسترش پیدا نکنند، به سیاست‌گذاری نیاز

۱. کتاب را از این دید نگاه کنید که بسیاری از اصطلاحات اساسی فقط رابطه وابستگی دارد یا اصطلاحات اخص قابل توجهی ذیل آن‌ها قرار گرفته (اصطلاحات تابع دارند) ولی اصطلاح اعم و بالا دستی آن مشخص نشده است (اصطلاحات حاکم ندارند) مانند صفحات ۱۸۱، ۱۶۱، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۶۹، ۹۴، ۳۶۱، ۳۰۸، ۳۰۹، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۳۴، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۴۰ و غیره.

دارد. مثلاً ممکن بود «نام‌های قرآنی» به‌عنوان یک مقولۀ ساختگی پذیرفته شود و بخش قابل ملاحظه‌ای از معارف قرآنی که با عناوین نام‌های بهشت، نام‌های جهنم، نام‌های سور قرآن، نام پیامبران، نام‌های قیامت، نام‌های اماکن مقدس مانند نام‌های کعبه، مکه و نظایر آن ذیل آن با یک نظم دلپذیر و قابل استفاده برای محققان ردیف می‌شد و بدین ترتیب اصطلاحات فراوانی در سازمان درختواره‌ای اصطلاح‌نامه جا پیدا می‌کرد (ص ۳۴) و فقط اصطلاحاتی وابسته فرض نمی‌شد. یکی از اصولی‌ترین فرایندها در تدوین اصطلاح‌نامه چیش منظم اصطلاحات با رعایت سلسله‌مراتب مفاهیم آن‌هاست؛ به شکلی که اصطلاحات از جزئی‌ترین واژه خاص (اخص) تا بالاترین رده در یک نظم پلکانی و منطقی چیده شوند. ردیف‌شدن زیرمجموعه‌ها در صورتی که با اعم و اعم‌تر رده اصلی کشانده شود، بسیار مفید خواهد بود و از سودمندترین موارد برای پژوهشگران به شمار می‌آید؛ زیرا جایگاه اصلی هر اصطلاح و ارتباط معنایی و منطقی آن را با مجموعه اصطلاحات پیرامون درمی‌یابد؛ مانند:

معارف قرآن

احکام

محرمات

گناهان

گناهان کبیره

بیش از ۴۰ اصطلاح دیگر وجود دارد.

با یک بررسی اجمالی دیده می‌شود که اصطلاحات قابل توجهی در این بین رها شده‌اند و به سلسله‌مراتب اتصال ندارند. زیربخش اماکن تاریخی و اماکن مقدس، اصطلاحات معروف و مهمی ردیف شده است، ولی چون اخص اماکن فرض شده‌اند و اماکن هم اعم ندارند، بلا تکلیف رها مانده‌اند و عجیب آن‌که اماکن تاریخی از قبیل غار حرا، غار اصحاب کهف، غدیر خم، عرفات و ... در رده تاریخ هم جایی نیافته‌اند و ظاهراً به این جنبه اساسی توجهی نشده و اگر هم سیاستی مد نظر بوده، نیامده است. در ضمن، توضیحگر معمولاً برای جداسازی اصطلاحات مشابه استفاده می‌شود، ولی مواردی طبق وعده عمل نشده است. مثلاً حکم (ص ۱۸۳) پنج مورد گزینش شده، ولی یکی از آن‌ها

بدون توضیح‌گر است. همچنین در «شاهد»، «شهید»، «آخر»، «اعلم»، «اعلی»، «باطن»، «بصیر» و «تواب» که فقط یک موردند، ولی توضیح‌گر گرفته‌اند. از این قبیل فراوان وجود دارد.

جدول شماره ۴. مقایسه ناهماهنگی در سیستم ارجاعات دو اصطلاح‌نامه

ناهماهنگی در سیستم ارجاعات	اصطلاح‌نامه معارف قرآن	اصطلاح‌نامه علوم قرآنی
آیا برای اصطلاحات مرجح با جست‌وجو در کتاب و بررسی سیره عملی آن مشاهده می‌شود که میانگین دو اصطلاح غیرمرجح (غیرتوصیف‌گر) در نظر گرفته شده است؟	اصطلاحات غیرمرجح بر اساس وجود دارد. ولی با نگرش و جست‌وجو در یک تصمیم قبلی و سیاست‌گذاری کتاب و بررسی سیره عملی آن دیده می‌شود که منطقی و بر اساس نوع کاربرد اصطلاحات انتخاب نشده است.	برای هر اصطلاح مرجح (توصیف‌گر) به‌طور سیره عملی آن مشاهده می‌شود که میانگین دو اصطلاح غیرمرجح (غیرتوصیف‌گر) وجود دارد. ولی با نگرش و جست‌وجو در یک تصمیم قبلی و سیاست‌گذاری کتاب و بررسی سیره عملی آن دیده می‌شود که اصطلاحات غیرمرجح بر اساس یک تقسیم منطقی و برگرفته از نوع کاربرد اصطلاحات، انتخاب نشده است؟

۷. جمع‌بندی

با توجه به این که «اصطلاح‌نامه معارف قرآنی» و «اصطلاح‌نامه علوم قرآنی» جزو اولین اصطلاح‌نامه‌ها در زمینه علوم قرآنی هستند و پیشینه‌ای چندان قوی در این زمینه وجود ندارد، طبیعی است که چنین مشکلاتی هم در پیش رو وجود داشته باشد. امید است در چاپ‌های بعدی این مشکلات با دقت بیشتری بررسی و مرتفع شود. همچنین، نسخه الکترونیکی آن در دسترس قرار گیرد تا پژوهشگران از آن استفاده نمایند. در ضمن، هرچند دو اصطلاح‌نامه دارای کاستی‌هایی هستند و می‌توانستند از منابع بیشتری بهره گیرند یا این که «اصطلاح‌نامه معارف قرآنی» می‌توانست از مقدمه‌ای جامع‌تر بهره گیرد، اما با توجه به این که جزو اولین تجربه در این حوزه هستند، می‌توانند در ویرایش جدید از نرم‌افزارهای مدیریت اصطلاح‌نامه برای ویرایش و توسعه و پشتیبانی استفاده نمایند. همچنین، به‌روزرسانی توسط یک مسئول انجام پذیرد. اصطلاحات جدید را متخصصان و پژوهشگران این حوزه می‌توانند پیشنهاد دهند یا توسط نمایه‌سازانی که مواد جدید را نمایه‌سازی می‌کنند، به نظام وارد شوند. این کار نیازمند وجود متخصصی است که اصطلاحات واردشده را به‌طور منظم بازبینی نماید.

در پایان، ضمن آروزی موفقیت برای تمامی پژوهشگران این حوزه ذکر نکاتی است:

۱. لازم است در ویرایش بعدی تمام کاستی‌های این دو اثر به‌گونه‌ای شایسته برطرف

- شود تا به عنوان نخستین کتاب درباره اصطلاحات معارف قرآنی و علوم قرآنی مورد بهره‌برداری محققان و مؤسسات این حوزه‌ها قرار گرفته و ماندگار بماند.
۲. پیشنهاد می‌شود که با استفاده از منابع وسیع عربی در حوزه معارف قرآنی و نیز بهره‌برداری از این اصطلاح‌نامه‌ها و مستندات موجود در «مرکز فرهنگ و معارف قرآن»، اصطلاح‌نامه‌ای به زبان عربی تدوین، و نه ترجمه و تعریب شود تا جای خالی این نوع اثر را در میان عرب‌زبان‌ها پُر کند.
۳. ضمن هماهنگی و ترغیب مؤسسات و سازمان‌های مرتبط با معارف قرآن به استفاده از این استاندارد، که با زحمات و هزینه‌های فراوانی مهیا شده است، شرایط تکمیل و ارتقای آن را فراهم کنند.
۴. در ویرایش و روزآمدسازی اصطلاح‌نامه از استاندارد ۲۵۹۶۴، که ترجمه آن را «ایرانداک» چاپ و منتشر کرده، استفاده شود.
۵. حتی‌الامکان معادل عربی و انگلیسی به اصطلاح‌نامه اضافه شود.
۶. وب‌سرویس اصطلاح‌نامه در اختیار کاربران داخل و خارج کشور قرار گیرد.

فهرست منابع

- آقابخشی، علی، ملوک‌السادات حسینی بهشتی، و امیر پارسی. ۱۳۷۵. *اصطلاح‌نامه نظام مبادله اطلاعات (نما)*. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- آوستین، درک و پتر دیل. ۱۹۸۱. *راهنمای تهیه و گسترش اصطلاح‌نامه یک‌زبانه ترجمه عباس حرّی*. ۱۳۶۵. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مرکز اسناد و مدارک علمی ایران.
- اتحادیه بین‌المللی مرکز مدارک (فید). ۱۹۹۰. *اصطلاح‌نامه علم اطلاع‌رسانی و دکومانتاسیون*، ترجمه محمدحسین دانشی و عبدالحسین آذرنگ. ۱۳۵۷. تهران: مرکز اسناد فرهنگی.
- ایچینسن، جین، آلن گیلکریست، و دیوید بادن. ۲۰۰۰. *تدوین و کاربرد اصطلاح‌نامه*. ترجمه محسن عزیزی. ۱۳۸۵. تهران: پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- براوتن، وندا. ۲۰۰۶. *ضرورت‌های ساختاری اصطلاح‌نامه*. ترجمه نرگس زندی‌روان. ۱۳۸۸. تهران: چاپار.
- حریری، مهرانگیز. ۱۳۶۱. *اصطلاح‌نامه در نظام ذخیره و بازیابی اطلاعات (۱)*. *اطلاع‌رسانی*. ۶ (۱ و ۲): ۶۰-۶۷.
- حسینی بهشتی، ملوک‌السادات. ۱۳۹۲. *ساخت‌واژه: اصطلاح‌شناسی و مهندسی دانش*. تهران: چاپار.
- دستور ساختن واژه‌نامه‌های استاندارد بین‌المللی. ۱۹۷۱. ترجمه پرویز مهاجر. ۱۳۵۴. تهران: مرکز مدارک علمی.
- ژان، ویت. ۱۹۷۶. *اصطلاح‌نامه توسعه فرهنگی*. ترجمه ناصر پاکدامن. ۱۳۵۸. تهران: مرکز اسناد فرهنگی.

- سلطانی، پوری و فروردین راستین. ۱۳۶۵. *اصطلاح‌نامه کتابداری*. ویرایش دوم. تهران: کتابخانه ملی ایران.
- شریف جرجانی (علی بن محمد). ۱۳۰۶ ق. *التعریفات*. مصر: المطبعة الخيرية.
- شورای علمی اصطلاح‌نامه. ۱۳۷۴. *اصطلاح‌نامه فرهنگی فارسی (اصفا)*. تهران: سازمان فرهنگی انقلاب اسلامی.
- فولادی، اشرف‌السادات. ۱۳۷۲. *کتابشناسی اصطلاح‌نامه‌ها*. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- محمدی، فخرالسادات، و سیروس علیدوستی. ۱۳۸۶. *فرایند تدوین اصطلاح‌نامه*. تهران: پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- مرکز اسناد و مدارک علمی ایران. ۱۳۶۱. *اصول نمایه‌سازی همارا*. تهران: مرکز اسناد و مدارک علمی ایران.
- مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران. ۱۳۷۵. *اصطلاح‌نامه نما (نظام مبادله اطلاعات علمی-فنی)*. تهران: مرکز اسناد و مدارک علمی ایران.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن. ۱۳۸۵. *اصطلاح‌نامه معارف قرآن*. قم: بوستان (مرکز چاپ و نشر دفتر تحقیقات اسلامی حوزه علمیه قم).
- مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی. ۱۳۷۶. *اصطلاح‌نامه علوم قرآنی*. قم: دفتر تحقیقات اسلامی حوزه علمیه قم.

References

- Aitchison, Jean and Alan Gilchrist. 1990. *Thesaurus Construction: a practical Manual*. 2nd. ed. London: Aslib.
- ALA Glossary of Library and Information Science.
- Batty, David. 1989. Thesaurus Construction and Maintenance: a Survival Kit. *Database* 12 (1): 13-18.
- Chamis, Alice Yanosko. 1991. *Vocabulary Control and Search Strategies in Online Searching*. New York: Green Wood press.
- Lancaster, F. W. 1986. *Vocabulary Control for Information Retrieval*. Virginia: Information Resources Press.
- McDonald, John D., and Michael Levine-Clark. 2017. *Thesaurus*. Encyclopedia of Library and Information Science. 4th edition Vol. 30, PP. 417-456.
- Milstead, Jessica L. 1992. Thesaurus Management Software. In Encyclopedia of Library and Information Science Supplement 14. Vol. 51, PP. 380-390.
- Pollitt, A. S. 1989. *Information Storage and Retrieval Systems: Origin, Development and Application*. Chichester: Ellis Horwood.
- Webster's Third New International Dictionary of the English Language Vol. 3.

تورج حیدری

متولد ۱۳۵۶ دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد مطالعات آرشیوی از دانشگاه تهران است. ایشان هم‌اکنون کارشناس امور هیئت علمی و کارکردسنجی و برنامه‌نگاری پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی است. تدوین مجموعه مقالات، اصطلاحنامه و پژوهش‌های مرتبط با آن از جمله علایق پژوهشی وی است.

**ملوک‌السادات حسینی بهشتی**

دانش‌آموخته دکتری تخصصی دانشگاه تهران در رشته زبان‌شناسی همگانی است. ایشان هم‌اکنون استادیار و رئیس پژوهشکده مدیریت دانش پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران است.

**الهام بساطی**

متولد ۱۳۶۱ دارای مدرک تحصیلی کارشناسی در رشته حقوق است. ایشان هم‌اکنون کارشناس امور اجتماعی فرهنگی در شهرداری است.

